

هفت صبح از تاثیر حضور اتباع غیر مجاز بر فرهنگ و سیاست و اقتصاد روایت می کند

تبعات پایان یک مهمانی پر حاشیه



سیاست

مهمانی ۵۰ ساله با بلیت بر گشت

نیم قرن مهاجرت در ایستگاه پایانی

صفحه ۳

فرهنگ

قدم به قدم با مهاجر پذیری ۲۰ ساله و تغییر

چهره فرهنگی در قلب تهران

سنگلج با زبان پشتو

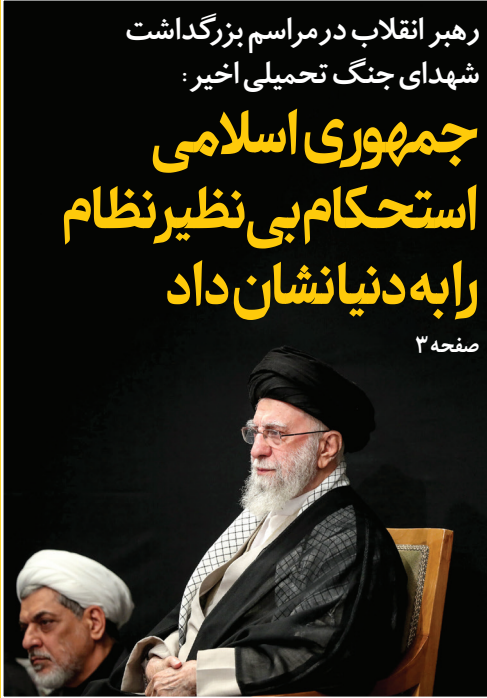
صفحه ۵

اقتصاد

تعریف دوباره بازار کار بعد از خروج افغان‌ها

مهاجرانی که رفتند مشاغلی که ماندند

صفحه ۲



رهبر انقلاب در مراسم بزرگداشت
شهدای جنگ تحمیلی اخیر:

جمهوری اسلامی استحکام بی نظیر نظام را به دنیانشان داد

صفحه ۳

ترامپ ژاپن هم ظهور کرد

سوهی کامیا با شعار «اول ژاپن» و تکیه بر موج
پوپولیسم، صحنه سیاسی این کشور را به لرزه درآورد

صفحه ۴

نمایندگان تل آویودر کاخ سفید؛ پوتین پشت خط نتانیا هو

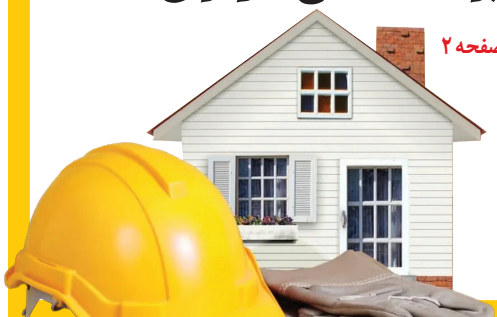
تماس تلفنی کرملین و تل آویو درباره برنامه هسته‌ای
ایران، زنگ خطر برای دیپلماسی است؟

صفحه ۳

بررسی طرح وزارت رفاه برای ساخت ۳۰۰ هزار
واحد مسکونی ویژه کارگران

خانه‌های کاغذی برای مسکن کارگران

صفحه ۲



سر مقاله

نگاهی جامعه‌شناختی بر پیامدهای حضور گسترده مهاجران غیر مجاز در ایران

مهاجران نامرئی؛ جامعه در معرض تغییر

است که مشارکت مدنی را کاهش داده و ظرفیت حل مسئله
در جامعه را تضعیف می کند.

بهره‌کشی در اقتصاد غیر رسمی

مهاجران غیرمجاز معمولاً وارد بازار کار غیررسمی می‌شوند؛ بازاری که به‌دلیل نبود نظارت‌های قانونی و نبود حمایت‌های صنفی، زمینه مناسبی برای بهره‌کشی ساختاری فراهم می‌کند. حضور گسترده این نیروهای کار کم‌هزینه، به‌تدریج باعث کاهش استانداردهای شغلی در بسیاری از مشاغل ساده و فنی می‌شود و سطح دستمزدها را پایین می‌آورد. از سوی دیگر، چنین وضعیتی به ایجاد نوعی اقتصاد دوگانه دامن می‌زند: از یک‌سو اقتصاد رسمی که مشاغل آن تابع قانون، بیمه و حداقل حقوق است و از سوی دیگر اقتصادی پنهان، که قواعد خودش را دارد و در آن، کارگر و کارفرما در فضایی مبهم و بی‌ثبات فعالیت می‌کنند. این شکاف، نه‌تنها عدالت اجتماعی را تضعیف می‌کند، بلکه پایه‌های نظم اقتصادی را نیز سست می‌سازد. این شکاف اقتصادی، در بلندمدت می‌تواند به بی‌ثباتی شغلی، نارضایتی عمومی و حتی خشم طبقاتی منجر شود؛ پدیده‌ای که در برخی از شهرهای پر مهاجر ایران مانند مشهد، کرج یا تهران نشانه‌های آن دیده می‌شود.

دو گانه فرهنگی و بحران‌های هویتی

در غیاب سیاست‌گذاری موثر برای ادغام مهاجران، جامعه با چندپارگی فرهنگی مواجه می‌شود. نه مهاجران به‌راحتی در فرهنگ میزبان جذب می‌شوند و نه جامعه میزبان از ظرفیت کافی برای پذیرش تفاوت‌ها برخوردار است. این وضعیت، در نسل دوم و سوم مهاجران، اغلب به بحران هویت، احساس تعلق دو گانه و رفتارهای متناقض منجر می‌شود؛ نسلی که نه به کشور پدري تعلق دارد و نه از سوی کشور میزبان به رسمیت شناخته می‌شود. در بستر این بحران، احساس محرومیت نسبی می‌تواند بستری برای بزهکاری، گسست اجتماعی یا حتی افراط‌گرایی فراهم کند.

فشار بر نهادهای خدمات عمومی

افزایش جمعیت بدون سیاست‌های حمایتی هم‌زمان، نهادهای آموزش، بهداشت، مسکن و حمل‌ونقل را دچار بحران می‌کند. نظام‌هایی که خود درگیر چالش‌های مالی، مدیریتی و زیرساختی‌اند، توان پاسخگویی به نیازهای چند

میلیون مهاجر را ندارند. این ناترازی در توزیع خدمات، می‌تواند منشأ نارضایتی شهروندان و کاهش سرمایه سیاسی دولت شود؛ به‌ویژه زمانی که مهاجران، هر چند ناخواسته، به‌عنوان «قیب» در عرصه اشتغال یا آموزش دیده می‌شوند.

بمب جمعیتی خاموش؟

نکته‌ای که کمتر مورد توجه قرار گرفته، تاثیرات بلندمدت مهاجرت بر ساختار جمعیتی ایران است. ایران در حال حاضر یکی از پایین‌ترین نرخ‌های باروری در منطقه را دارد (کمتر از ۱.۶ فرزند به‌ازای هر زن در سال ۱۴۰۳)، در حالی که نرخ زاد و ولد در میان مهاجران افغان، به‌ویژه در جوامع روستایی یا حاشیه‌نشین، به‌مراتب بالاتر است. اگر این روند ادامه یابد، ایران در دهه‌های آینده ممکن است با نوعی واژگونی هویتی جمعیتی مواجه شود؛ جامعه‌ای که در آن نرخ رشد جمعیت مهاجران از نرخ زاد و ولد بومیان پیشی می‌گیرد. این پدیده، اگر مهار و مدیریت نشود، در بلندمدت می‌تواند تبعاتی عمیق بر ساختار اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی ایران بر جای بگذارد. در برخی مناطق، ترکیب جمعیتی به‌تدریج دگرگون خواهد شد و رنگ و بوی زبانی و فرهنگی تازه‌ای به خود خواهد گرفت؛ امری که هم می‌تواند غنای فرهنگی ایجاد کند و هم، اگر بی‌پاسخ بماند، منشأ سوءتفاهم و واگرایی شود. در میان نسل‌های مختلف نیز نوعی شکاف تجربی‌ای و ارزشی به‌وجود خواهد آمد؛ نسل جوان‌تر مهاجران که در ایران متولد و بزرگ شده‌اند، میان دو هویت سرگردان خواهند بود: آنچه از خانه می‌آموزند و آنچه از جامعه پیرامون می‌بینند. در چنین فضایی، پرسش دیرپای «ایرانی کیست؟» بار دیگر، اما این‌بار با حساسیت و پیچیدگی بیشتری، به‌مرکز بحث‌های فرهنگی و ملی‌با خواهد گشت.

ضرورت بازاندیشی در سیاست مهاجرت

مهاجرت، اگر سامان نیابد، نه‌تنها به حل بحران‌های اقتصادی و جمعیتی کمک نمی‌کند، بلکه خود به منشأ بحران‌های ثانویه بدل می‌شود. حضور گسترده مهاجران غیرمجاز در ایران، آینده‌ای است برای ضعف در سیاست‌گذاری، نابرابری منطقه‌ای و غفلت از عدالت اجتماعی. امروز در پرونده‌ای ویژه تبعات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این پدیده را در صفحات سیاست، اقتصاد و فرهنگ می‌خوانید.

حمیدرنجبر لی‌کرتیس، بازیگر ۶۶ ساله آمریکایی، در یکی از صریح‌ترین اعتراف‌های یک ستاره زن سینما در گفت‌وگو با روزنامه گاردین از بازنشستگی تدریجی خود سخن گفته است اما نه به‌عنوان تصمیمی داوطلبانه، بلکه گریزی پیشگیرانه از حذف تدریجی توسط صنعت سرگرمی. او که تجربه تلخ افول والدین بازیگرش را به چشم دیده، حالا در دور دارد تماشای حذف خود را تمرین می‌کند، پیش از آن که دعوتش به مهمانی پایان یابد. اما آنچه کرتیس را وادار به واکنش کرده فشاری دائمی برای جوان ماندن، زیبا بودن و در چشم ماندن است.

او بسا لحنی کنایه‌آمیز اما هشداردهنده، جراحی‌های زیبایی، فیلرها، فیلترهای تصویری و بدن‌های مصنوعی را نه انتخاب‌هایی آزاد، بلکه نشانه‌هایی از تسلیم فرهنگی برابر سلطه پنهان صنعت زیبایی و فناوری دانسته است. از نگاه جامعه‌شناختی، این پدیده را می‌توان برآمد از سازوکار دانست که در آن، ظاهر به سرمایه‌ای فرهنگی و رقابتی بدل شده آن چنان که حتی روند طبیعی پیری، به‌منابه شکست و انفعال تعبیر می‌شود و مردم برای باقی ماندن در مدار توجه، ناچارند هر روز بیشتر روی چهره و بدن خود سرمایه‌گذاری کنند. اما این سرمایه‌گذاری به تدریج مرز واقعیت و بازنمایی را در هم می‌ریزد. چهره فیلترشده، نسخه برتری از واقعیت تلقی می‌شود و بدن واقعی، با همه خطاها و سالخوردگی‌اش، به حاشیه رانده می‌شود. در این روند، آنچه شکل می‌گیرد «خود دستکاری شده» است. کرتیس با جسارت این نظام زیبایی‌شناختی را نوعی «نسل‌کشی خاموش» در عصری توصیف می‌کند که رسانه، سرمایه و فناوری، مردم را به بازسازی بی‌پایان خود وامی‌دارند و آن چه در این فرایند نابود می‌شود، نه فقط چین‌چروک صورت، بلکه خویشتن است.

وقتی چهره واقعی دیگر کافی نیست

جیمی لی کرتیس این پدیده را نوعی نسل‌کشی زیبایی‌شناختی می‌داند. فرایندی نرم‌امارادیکال که طی آن، نسل‌هایی از جامعه به بازآفرینی مداوم چهره و بدن خود می‌پردازند تا جایی که صورت واقعی، تنها نقطه شروعی برای اصلاح، جراحی یا فیلترگذاری تلقی می‌شود اگر به آینه جامعه امروز ایران نگاه کنیم، شاهد پدیده‌ای

خواهیم بود که به‌مراتب نگران‌کننده‌تر است جایی که بدن به میدان نبردی تمام‌وقت تبدیل شده است.

سرمایه‌گذاری روی پوست و چهره

در جامعه‌ای که مسیرهای ارتقای اقتصادی و اجتماعی روز به روز محدودتر می‌شود، چهره و بدن به یکی از معدود ابزارهای مهم برای دیده شدن، مقبولیت و حتی بقا تبدیل شده‌اند. اینجا است که از «سرمایه فرهنگی» سخن به میان می‌آید، سرمایه‌ای که فرد می‌تواند از طریق ظاهر، زبان بدن، سبک لباس، یا سلیقه‌های زیبایی‌شناختی آن را به نمایش بگذارد.

«بدن» سازی در ایران

در ایران، این منطق به شکل عجیبی در حال تشدید است. جوانانی که چشم‌انداز روشنی از آینده شغلی و اجتماعی ندارند، بیش از هر چیز، روی «خود» تمرکز می‌کنند و این «خود» نه خود درونی یا فکری که اغلب بیرونی و ظاهری است. از همین روست که عمل بینی، کاشت مو، زاویه‌سازی فک، فیلر لب و گونه یا حتی تغییر رنگ چشم و پوست، نه رفتارهایی حاشیه‌ای، بلکه بدل به الگوی غالب در طبقه متوسط شهری شده‌اند. در بسیاری از محافل چهره اصلاح‌شده به‌سادگی نشانه‌گر بی‌توجهی، بی‌پولی یا حتی بی‌ارزشی تلقی می‌شود.

وقتی فیلتر از واقعیت

باورپذیرتر است

مطالعات فرهنگی نشان می‌دهد که افراد همواره در حال ایفای نقش‌هایی هستند که دیگران را تحت‌تاثیر قرار دهند. اما در عصر فناوری، این نمایش نه فقط در حضور فیزیکی که بیش از هر زمان در بسترهای مجازی صورت می‌گیرد و در این بسترها «خود فیلترشده» آرام‌آرام جای «خود واقعی» را می‌گیرد. شبکه‌های اجتماعی، اپلیکیشن‌های اصلاح چهره و نرم‌افزارهای زیباسازی فوری ابزارهایی هستند که به سادگی می‌توانند ظاهری جدید بسازند. اما این ابزارها هم بعد فرهنگی و هم پیامد روانی دارند. آنچه نمایش داده می‌شود، دیگر بدن زیسته نیست، بلکه بدنی ایده‌آل، استاندارد شده و مصنوعی است که به دنیای واقعی نیز منتقل می‌شود و منطق بازسازی چهره و بدن از صفحه نمایش به مطب

پزشک کشیده می‌شود. در این میان، بسیاری خود را از آینه فیلترشده قضاوت می‌کنند. تصویر قبل و بعد از فیلتر، تصویری که با جراحی امکان‌پذیر می‌شود و تصور اینکه «این من بهتر است»، همان نقطه آغاز اضطراب‌ها، عمل‌های تکراری و شکل‌گیری یک خود متوهم است. خودی که نه زیسته، بلکه شبیه‌سازی شده است.

وقتی زیبایی بدن را به اسارت می‌کشند

اما آنچه جیمی لی کرتیس با واژه «نسل‌کشی» توصیف می‌کند، ناظر به جنبه‌ای عمیق‌تر از این فرآیند است. او از اقتدار پنهانی سخن می‌گوید که بدن را به ابزار اسارت تبدیل می‌کند. در واقع، این میل ظاهرافردی به زیبایی بخشی از یک الگوی فرهنگی قدرتمند است که در آن زنان و مردان باید خود را برای جلب نظر، مقبولیت اجتماعی و تثبیت جایگاهشان بازتولید کنند. در ایران، صنعت آرایش و زیبایی با سرعتی باورنکردنی رشد کرده است. بنا بر گزارش‌ها، سرانه مصرف لوازم آرایشی در میان زنان ایرانی از بالاترین‌ها در جهان است. پشت این آمارها اما چیزی بیشتر از سلیقه شخصی نهفته است. این صنعت، تصویر انسان موفق را با تصویر انسان زیبا پیوند زده است. در تبلیغات، در شبکه‌های اجتماعی، در رفتارهای خانوادگی ناخوشه، «فرد پذیرفته‌شده» کسی است که چهره‌اش جوان، صاف، متقارن و اصلاح‌شده است.

بدن؛ میدان نبرد

آن‌گاه که این الگو به یک الزام فرهنگی تبدیل می‌شود، دیگر نمی‌توان از انتخاب آزاد سخن گفت. اینجا نه از زیبایی، بلکه با شکل‌ظرفی از خشونت روبه‌رویم که نرم، بی‌صدا همه‌جا حاضر است و بدن را به پروژه‌ای دائمی تبدیل می‌کند. آنچه جیمی لی کرتیس در قالب تجربه «خود واقعی» را می‌گیرد، شبکه‌های اجتماعی، اپلیکیشن‌های اصلاح چهره و نرم‌افزارهای زیباسازی فوری ابزارهایی هستند که به سادگی می‌توانند ظاهری جدید بسازند. اما این ابزارها هم بعد فرهنگی و هم پیامد روانی دارند. آنچه نمایش داده می‌شود، دیگر بدن زیسته نیست، بلکه بدنی ایده‌آل، استاندارد شده و مصنوعی است که به دنیای واقعی نیز منتقل می‌شود و منطق بازسازی چهره و بدن از صفحه نمایش به مطب

کرد و باور کرد که واقعی است؟

یادداشت

فرهنگ بازسازی بدن در عصر فیلتر، فیلر و فریب

نسل‌کشی زیباشناختی عصر مدرن

شماره آگهی: ۱۹۷۲۷۴۵



**فراخوان مناقصات عمومی یک مرحله‌ای
همراه با ارزیابی کیفی
خرید یک دستگاه PTW electrometer و
یک دستگاه Farmer Chamber**

اداره کل توسعه و تجهیز گمرک جمهوری اسلامی ایران
اداره امور قرار داده‌ها و مناقصات

م الف ۱۵۶۹

رجوع به صفحه ۴



تعریف دوباره بازار کار بعد از خروج افغان ها

مهاجرانی که رفتند، مشاغلی که ماندند

پرونده ویژه

رفتن مهاجران افغانستانی بسا واکنش های متنوعی همراه شده و نبود افغان های زحمتکش، همانقدر که در واکنش های اجتماعی متضاد بوده، در آینده اقتصاد ایران هم می تواند تکانه ای با نتایج مبهم و متفاوت ایجاد کند.

این موضوع در بازار کار ایران بارها مورد مطالعه قرار گرفته و گاهی دغدغه های فعالان بازار کار درباره خروج اتباع به عنوان نیروی کار ارزان در مشاغل سخت یا مشاغلی که ایرانیان تمایلی به حضور در آنها ندارند، مطرح شده است. براساس مشاهدات میدانی و آمارهایی که تاکنون ارائه شده، حدود ۱۰ درصد از نیروی کار ایران و حدود ۳۰ درصد از کارگران ساختمانی (در برخی مناطق حدود ۶۰ درصد) را مهاجران افغان در اختیار داشته اند، جمعیت زیادی که نبود آنها می تواند تولید را با وقفه روبه رو کند، هزینه ها را افزایش دهد و حتی در بخش های خدماتی افزایش قیمت ها را به مصرف کننده تحمیل کند.

آغوش باز کارفرما به روی کارگران از بخش مهمی از نگرانی را کارفرمایان طرح کرده اند. مهم ترین دغدغه، شوک حاصل از خروج ناگهانی جمعیت انبوه مهاجرانی است که در کارهای خدماتی، ساختمانی و کشاورزی و دامداری مشغول به کار بوده اند. کارفرمایان به شکل مرسوم و تاریخی از کارگران ارزان و کم توقعی استقبال کرده اند که در دهه های گذشته به رغم برخی افزایش نظارت ها، کار راه انداز بودند. در سطح شهرهای بزرگ



مثل تهران، حضور مهاجران افغان در سوپرمارکت ها، خدمات شهری و رفت و روب شهر یاد دامداری ها و کشاورزی در سطح کلان، جای پای آنها را چندان عمیق کرده که کارفرمایان هشدار می دهند شوک خروج ناگهانی و انبوه این مهاجران می تواند بازار کار ایران را حداقل در کوتاه مدت از تعادل بیندازد. آنها معتقدند خروج مهاجران در وهله اول، عرصه و تقاضای بازار را دچار تنش می کند. حضور مهاجرانی که تا به حال برای آنها یک مزیت در کاهش هزینه ها محسوب می شد، حالا دچار تحولی خواهد شد که آینده آن مبهم است. دستمزدهای پایین در حوزه های خدماتی و به کارگماشتن مهاجران در بخشی از فعالیت های ساختمانی، کارفرمایان را در رقابتی سنتی، میان نیروی کار ایرانی و افغانی، پیروز همیشگی میدان نشان می داد.

با اینکه در سال های گذشته تورم عمومی و به تبع آن افزایش دستمزد، بخش های خدماتی را دربرگرفت اما این چرخه صعودی با حضور کارگران افغان در مشاغل خاص به

مثل تهران، حضور مهاجران افغان در سوپرمارکت ها، خدمات شهری و رفت و روب شهر یاد دامداری ها و کشاورزی در سطح کلان، جای پای آنها را چندان عمیق کرده که کارفرمایان هشدار می دهند شوک خروج ناگهانی و انبوه این مهاجران می تواند بازار کار ایران را حداقل در کوتاه مدت از تعادل بیندازد. آنها معتقدند خروج مهاجران در وهله اول، عرصه و تقاضای بازار را دچار تنش می کند. حضور مهاجرانی که تا به حال برای آنها یک مزیت در کاهش هزینه ها محسوب می شد، حالا دچار تحولی خواهد شد که آینده آن مبهم است. دستمزدهای پایین در حوزه های خدماتی و به کارگماشتن مهاجران در بخشی از فعالیت های ساختمانی، کارفرمایان را در رقابتی سنتی، میان نیروی کار ایرانی و افغانی، پیروز همیشگی میدان نشان می داد.

براساس مشاهدات میدانی و آمارهایی که تاکنون ارائه شده، حدود ۱۰ درصد از نیروی کار ایران و حدود ۳۰ درصد از کارگران ساختمانی (در برخی مناطق حدود ۶۰ درصد) را مهاجران افغان در اختیار داشته اند، جمعیت زیادی که نبود آنها می تواند تولید را با وقفه روبه رو کند

چالش های قدیمی بازار کار ایران، حتی بدون خروج نیروی کار ارزان از کشور، ناشی از ساختارهایی است که تاکنون نتوانسته حمایت ها و مشوق ها را به هدف بزند. حالا خروج نیروهای ارزان از بازار، مزید بر علت خواهد بود



دیگری از معادله شغلی را مدنظر قرار می دهند، جایی که ممکن است با افزایش حمایت های دولتی و ایجاد مزایای شغلی و دستمزدهای بالاتر امکان گشایش برای جوانان ایرانی را مهیا کند. فعالان کارگری با دیدگاه باز شدن فرصت های شغلی محبوس، دولت را به حمایت های مالی و بیمه ای در این زمینه تشویق می کنند اما به نظر می رسد تجربه های تلخی در این زمینه وجود دارد. فقط در یک فقره از مشاغلی که تاکنون مهاجران افغانی دوشادوش ایرانی ها معیشت خود را می گردانند، رسیدن به استانداردهای بیمه ای و مزایای شغلی در پیچ و خم دولت ها و مجالس چند دوره تبدیل به گره ناگشودنی شده. تصویب دوره ای قوانین حمایتی برای کارگران ساختمانی و رد آنها در بخش های نظارتی، انقدر لوٹ شده که حتی نمایندگان مجلس لب به اعتراض گشودند و گفتند مافیای ساخت و ساز و دلالت نیروی انسانی در بازار کار چنان نفوذی دارند که هر مصوبه ای را به دور باطل و سرگردانی می کشانند. به هر حال، با رفتن جمعیت بزرگی از نیروی کار مهاجر از ایران، کمبود در بخش های مختلف خدماتی تبدیل به یک گزاره مبهم خواهد شد. گزاره ای که در آن کارفرمایان باید به افزایش دستمزد و ایجاد تعادل در بازار تن بدهند یا دولت با افزایش حمایت های مالی و بیمه ای، مشوق های دندان گیری را در این بخش ها رونمایی کند. البته حتی ورود دولت به این عرصه، برای ایجاد تعادل در بازار کار با اما و اگرهایی روبه رو خواهد بود. نباید از یاد ببریم که مشارکت اقتصادی در ایران به حدود ۴۰ درصد رسیده که ۲۰ درصد پایین تر از متوسط منطقه ای است در حالی که بیش از ۶۵ درصد بازار کار ایران در احاطه مشاغل غیررسمی قرار گرفته است. چالش های قدیمی بازار کار ایران، حتی بدون خروج نیروی کار ارزان از کشور، ناشی از ساختارهایی است که تاکنون نتوانسته حمایت ها و مشوق ها را به هدف بزند. حالا خروج نیروهای ارزان از بازار، مزید بر علت خواهد بود. دغدغه جدیدی که به این بازار اضافه شده، بار سنگینی روی دوش دولت و کارفرمایان می گذارد، همان طور که بخش های کارگری را با خلا بزرگی به نام نبود عرضه مورد نیاز در اقتصاد ایران و توقع افزایش دستمزد برای کارهای نازل روبه رو می کند. بازار کار ایران بعد از مهاجران افغانی باید خود را یک بار دیگر تعریف کند، هر چند این خروج با احتیاط، حفظ کرامت آنها و با ملاحظات اقتصادی باشد.

کارفرمایان به شکل مرسوم و تاریخی از کارگران ارزان و کم توقعی استقبال کرده اند که در دهه های گذشته به رغم برخی افزایش نظارت ها، کار راه انداز بودند. در سطح شهرهای بزرگ مثل تهران، حضور مهاجران افغان در سوپرمارکت ها، خدمات شهری و رفت و روب شهر یا دامداری ها و کشاورزی در سطح کلان، جای پای آنها را چندان عمیق کرده که کارفرمایان هشدار می دهند شوک خروج ناگهانی و انبوه این مهاجران می تواند بازار کار ایران را حداقل در کوتاه مدت از تعادل بیندازد

گزارش

بررسی طرح وزارت رفاه برای ساخت ۳۰۰ هزار واحد مسکونی ویژه کارگران

خانه های کاغذی برای مسکن کارگران



مونا موسوی
هفت صبح

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام کرده طرحی در دست بررسی دارد که براساس آن قرار است در حاشیه شهرک های صنعتی و با استفاده از ظرفیت تعاونی ها و صنایع، خانه های اجتماعی برای کارگران بسازد؛ اقدامی که هدف نهایی آن کاهش مستقیم هزینه های معیشتی نیروی کار، افزایش رضایت مندی شغلی و تسهیل دسترسی به خدمات شهری برای خانوارهای کارگری است. با این حال، این طرح هنوز از مرحله ابتدایی عبور نکرده و فاقد سازوکار اجرایی مشخص، چارچوب حقوقی منسجم و ضمانت های مالی لازم برای آغاز عملیات ساخت و ساز است. در واقع، تا این لحظه این برنامه در حد پیشنهاد مکتوب باقی مانده و وارد مرحله اجرایی نشده است.

تدوین طرح مسکن و اعلام اهدافی همچون کاهش هزینه های معیشتی کارگران یا دهک های پایین جامعه اتفاقی است که قبلا تجربه شده اما نتیجه، خیلی متفاوت از چیزی بوده که مسئولان در ابتدای کار گفته اند. یادآوری تجربه های قبلی مانند مسکن مهر ضروری است؛ طرحی که در سال های گذشته با هدف مشابه تامین مسکن ارزان برای اقشار کم درآمد آغاز شد اما در مسیر اجرا با چالش های جدی مواجه شد. بسیاری از تعاونی های مشارکت کننده در پروژه مسکن مهر، توان عملیاتی یا مالی کافی برای تکمیل تعهدات خود نداشتند و این موضوع منجر به رها شدن بخش قابل توجهی از پروژه ها در میانه راه، تحویل ناقص واحدهای ساختمانی و سردرگمی هزاران متقاضی شد. حالا همین تعاونی ها قرار است دوباره پای کار بایانند.

آسان نمود اول ولی افتاد مشکل ها

نمونه های زیادی وجود دارد که متقاضیان مسکن تعاونی ها تا سال ها درگیر فرآیندهای قضایی برای استیفای حقوق خود بوده و در نهایت مجبور شدند واحدهای مسکونی را با هزینه ای بسیار بالاتر از میزان اولیه و از طریق پیمانکاران جایگزین تحویل بگیرند.

براساس آخرین داده های رسمی، جمعیت کارگران رسمی در ایران بالای ۱۰ میلیون نفر برآورد شده است. با این حال، برخی با لحاظ کردن گروه های مختلف شاغل در بخش های صنعت، خدمات، کشاورزی و معدن، این عدد را تا دو برابر گزارش کرده اند. این تفاوت به دلیل تنوع در تعریف کارگر و اختلاف در پوشش آماری است، چرا که برخی آمارها فقط کارگران مشمول قانون کار یا بیمه شدگان تامین اجتماعی را در نظر می گیرند.

نرخ بالای اجاره نشینی در کارگران

در مورد وضعیت مالکیت مسکن در میان کارگران، آمار تفکیکی در دقتی در دسترس نیست اما می توان با بهره گیری از داده های عمومی کشور به برآوردی منطقی رسید. طبق گزارش مرکز آمار ایران، نرخ اجاره نشینی در میان کارگران بالاتر از میانگین کشوری است، به ویژه در کلان شهرهایی مانند تهران. بر همین اساس، اگر جمعیت کارگران را همان ۱۰ میلیون نفر در نظر بگیریم، احتمالا حدود ۶ میلیون نفر از آنها مستاجر هستند و باقی با مالکند یا در خانه های سازمانی یا خانوادگی مسکونت دارند. براساس گزارش های رسمی، تنها ۱۲ درصد از طرح های مسکن کارگری مصوب در یک دهه گذشته به مرحله تحویل رسیده اند و از مجموع ۱۸۵ هزار واحد برنامه ریزی شده، کمتر از ۲۲ هزار واحد به بهره برداری رسیده اند.

هزینه هایی که اعلام نمی شود

سوال دیگر اینجاست که طرح جدید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای احداث ۳۰۰ هزار واحد مسکونی ویژه کارگران در اطراف شهرک های صنعتی، قرار است با چه هزینه ای ساخته شود و کارگران قرار است چگونه پرداخت کنند تا هزینه آنها را کاهش دهد؟ هم اکنون هزینه ساخت هر مترمربع مسکن به حدود ۲۰ میلیون تومان رسیده است. آیا مدیران صنایع یا تعاونی ها متناسب با حقوق کارگران اقساط را تنظیم می کنند یا مانند مسکن ملی و... قرار است پیش پرداخت های چند صد میلیونی دریافت کنند؟

وقتی خاطره خوشی نداریم

برای ذی نفعان به همراه داشته باشد. کاهش فشارهای اقتصادی و ارتقای سطح معیشت خانوارهای کارگری طراحی شده اما اجرای موفق آن مستلزم رعایت مجموعه ای از الزامات و اصلاح ساختارهای پیشین است. تجربه های گذشته مانند مسکن مهر نشان داده اند که نبود سازوکارهای اجرایی دقیق، نظارت مستمر، شفافیت در فرآیندها و پاسخگویی حقوقی می تواند پیامدهای سنگینی برای این نفعان به همراه داشته باشد. از طرفی سابقه عملکرد ضعیف تعاونی ها در اجرای پروژه های مشابه، به ویژه عدم تعهد به تکمیل پروژه یا تحویل واحدهای ناقص مسکن است منجر به خسارت کارگران نیز شود.

کمی شفاف باشیم

فرض می گیریم که در اطراف شهرک های صنعتی، چالش تامین زمین مناسب با کاربری قابل تغییر و مجوزهای لازم وجود ندارد اما باز هم فقدان نقشه راه اجرایی مشخص، نبود ردیف بودجه پایدار و تکیه بر وعده های شفاهی، نبود نظام نظارت حقوقی و فنی ایجاد سامانه شفاف ارزیابی عملکرد و گزارش دهی عمومی در هر مرحله پروژه است. بهره گیری از مدل های مشارکت عمومی - خصوصی با حضور نهادهای تخصصی ساخت و ساز و سرمایه گذاران و اختصاص مشوق های مالی مانند وام های هدفمند به تولید کنندگان مصالح ساختمانی، به منظور کنترل قیمت ها و حمایت از تولید داخلی می تواند در این مسیر موثر باشد.

همزمان با اجرای این برنامه، توجه به هویت اجتماعی کارگران و نیازهای محله ای نیز ضروری است. واحدهای مسکونی باید نه تنها از نظر سازه ای و عمرانی استاندارد باشند، بلکه زیرساخت های فرهنگی، آموزشی و حمل و نقلی اطراف آن نیز در طراحی لحاظ شود تا ساکنان از یک زیست پذیری پایدار و با کیفیت بهره مند شوند.

اجتماعی کارگران و نیازهای محله ای نیز ضروری است. واحدهای مسکونی باید نه تنها از نظر سازه ای و عمرانی استاندارد باشند، بلکه زیرساخت های فرهنگی، آموزشی و حمل و نقلی اطراف آن نیز در طراحی لحاظ شود تا ساکنان از یک زیست پذیری پایدار و با کیفیت بهره مند شوند.

تاثیرات عمیق صاحبخانه شدن در جامعه کارگری

تأمین مسکن اجتماعی برای کارگران، اگر با سیاست گذاری دقیق و اجرای موثر همراه باشد می تواند تاثیرات اجتماعی گسترده و ماندگاری داشته باشد. آموزش و مهارت های لازم برای کارگران و خانواده های آنها باید در اولویت قرار گیرد. حمایت از خانواده های کارگران و ایجاد فرصت های اشتغال و درآمدزایی برای آنان می تواند به بهبود وضعیت معیشتی و کاهش فقر در این گروه ها کمک کند. همچنین، تقویت سرمایه اجتماعی و پیوندهای محله ای از دیگر پیامدهای مهم این نوع سکونت گزینی است. سکونت در محیط هایی با بافت



براساس گزارش های رسمی تنها ۱۲ درصد از طرح های مسکن کارگری مصوب در یک دهه گذشته به مرحله تحویل رسیده اند و از مجموع ۱۸۵ هزار واحد برنامه ریزی شده، کمتر از ۲۲ هزار واحد به بهره برداری رسیده اند

کاهش داده و بهره وری شغلی را افزایش می دهد.

بازی دو سر برد برای کارگران در شرایطی که بیش از ۶۰ درصد خانوارهای کارگری در مناطق حاشیه ای ساکن اند و روزانه به طور متوسط ۶۰ دقیقه برای رفت و آمد صرف می کنند، طبق برآوردهای اولیه، ساخت مسکن در شعاع ۱۰ کیلومتری محل کار می تواند هزینه رفت و آمد کارگران را تا ۳۰ درصد کاهش دهد.

برخی کارشناسان معتقدند ارتقای شرایط زیستی از طریق این نوع برنامه ها به افزایش مشارکت اجتماعی کارگران و انگیزه آنها برای فعالیت مثبت در محیط کار منجر می شود. کارگری که از محل زندگی خود رضایت دارد، با انگیزه بیشتری به کار می پردازد، نرخ ترک شغل کاهش می یابد و حس مسئولیت پذیری تقویت می شود. رضایت از زندگی شخصی، عاملی کلیدی در تقویت تعلق شغلی و کاهش تنش های صنعتی در محیط های تولیدی است که در بلندمدت به پایداری نیروی کار و بهره وری سیستم های صنعتی کشور کمک می کند.

در نهایت، موفقیت این طرح منوط به آن است که نگاه به تامین مسکن از سطح «واحد ساختمانی» فراتر رود و به عنوان بخشی از سیاست های عدالت اجتماعی، توسعه منطقه ای و توانمندسازی اقتصادی تلقی شود. ایجاد خانه های اجتماعی برای کارگران نه تنها به بهبود شرایط زندگی آنها منجر می شود بلکه می تواند محرک رشد تولید، کاهش مهاجرت بی رویه به مراکز شهری و تثبیت نیروهای انسانی در بخش های صنعتی کشور نیز باشد.

نیم قرن مهاجرت در ایستگاه پایانی

در دهه ۷۰ و با فروپاشی شوروی و قدرت گیری طالبان، مهاجرت افغان ها به ایران تداوم یافت. این بار اما نگاه دولت تغییر کرده بود. دولت درگیر بازسازی پس از جنگ و اقتصاد زیر فشار بود. افغان ها دیگر نه «برادران مهاجر» بلکه «کارگران غیرمجاز» خوانده می شدند. دولت کوشید با صدور دفاتر اقامت و ساماندهی اردوگاه ها، کنترل بیشتری اعمال کند اما هنوز خردی از سیاست مهاجرتی ساختارمند نبود. در دهه ۸۰ و ۹۰ با برغم فراز و فرود مهاجرت افغان ها به ایران، سازوکارهای مهمی در سامان بخشی به امور مهاجرت ایجاد گرفت. ثبت نام رسمی مهاجران، تعیین مناطق مجاز برای اسکان و صدور کارت امانت با اعتبار یکساله که حق مسافرت های بین شهری و استفاده از آموزش عالی، بیمه و بانک را محدود می کرد، در دهه ۹۰ با سخت گیری های بیشتری در زمینه محدود جغرافیایی اسکان و اشتغال در گروه های شغلی همراه شد.



مایندگان تل آویو در کاخ سفید؛ یوتین یشت خط نتانیا هو

فت و گوی تلفنی و اولادیمیر پوتین، رئیس جمهور سیاه، با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، باره باره برنامه هسته‌ای ایران و مسائل مرتبط با تولید اتمی از سوی رهبر در بستر پیچیده روابط دیپلماتیک منطقه و جهان پرسش‌هایی را در باره اهداف و اهداف این تماس برای ایران ایجاد می‌کند. نتیجه به اظهارات کرملین مبنی بر آمادگی سیاه برای تسهیل مذاکرات در خصوص برنامه هسته‌ای ایران و همچنین سفر اخیر دستیاران ششده نتانیاهو به ایالات متحده برای گفت‌وگو باره ایران، از پرسش مطرح می‌شود که آیا تحرکات دیپلماتیک می‌تواند برای ایران کشنده باشد؟ بویژه، آیا اسرائیل در تلاش تا از طریق این گفت‌وگوها محدودیت‌های همکاری‌های نظامی ایران و روسیه، به‌خصوص زمینه تجهیزات دفاعی مانند پدافند هوایی یا آپتامهای جنگنده، ایجاد کند؟

ایران
از منظر ایران، گفت‌وگوی پوتین و نتانیاهو در شرایطی انجام شده است که تنش‌های میان ایران و اسرائیل به ویژه شاهد از یک سو و میان اسرائیل و آمریکا از سوی دیگر، در حال گسترش و تشدید است. در این میان، اسرائیل به عنوان یک کشور در منطقه، به دنبال تأمین امنیت و رفاه خود است. با توجه به اینکه ایران به عنوان یک کشور در منطقه، به دنبال تأمین امنیت و رفاه خود است. با توجه به اینکه ایران به عنوان یک کشور در منطقه، به دنبال تأمین امنیت و رفاه خود است.

[illegible]

سال ۱۴۰۲ مدیر پژوهش انجمن دیران در حالی تعداد اتباع را حدود ۷ میلیون نفر اعلام کرد که «بیش از حدی» و نیز کشور دولت اقتصادی، جمعیت ۵۶ هزار ۱ میلیون ۵۰۰ هزار را رسمیت داده بود. این آمار در سال ۱۴۰۳ و در بحبوحه تصویب کلیات طرح سامان ملی مهاجرت از زبان برخی از مدیران سازمان امور مالیاتی و سرخسده نظامی دیران اعلام شد. این آمارها را یکسوی نشان می‌داد که روند ورود با یک پدیده به نام مهاجرت غیرقانونی و مشکلات و تبعات آن نه تنها از دیران نیست، بلکه برای تناسیب رفتار قانونی در سایر استانها، در گم شدن راه قانونی بحران و نظارت مؤثر تبدیل

به پدیده تازه‌تری شده است. البته نباید ناگفته بماند که بازی با اعداد و داده‌ها سیاست‌هاست که در ایران امروز یکی از ابزار در خدمت دولت‌ها بوده و در فراموشی تکنیک که هنوز رقص سیاست اقتضای روزگار نمی‌خواهد. شرح گره چینی از نظر ارزش‌های محلی همتا نیستند اما این گره آماری در ایران بارها در یک دهه اخیر مسئولان و مردم را در مواجهه با اقتصادی‌ترین موضوعات یا امنیتی و سیاسی‌ترین سوژه‌ها به زحمت انداخته است.

🔴 شتابان در اخراج همچون استقبال

در زمان تحریر این گزارش، آخرین اخبار حکایت از شتاب بی نظیر اخراج مهاجران غیر قانونی دارد؛ سرعتی که از آغاز دولت چهارم به حد قابل توجهی خود را افزایش داده و حالا الزامات امنیتی بعد از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل را با ملاحظات فرهنگی و سیاسی دید که می‌دهد. حجتی، مجرم خراج افغان ها نشان می‌دهد که دولت‌ها امکان و ظرفیت ساماندهی یا حداقل برخورد های ضروری رو داشته‌اند، و گرنه بطور امکان داشت خروج رو زانه حدود ۲۸ هزار نفر از مهاجران غیر قانونی رقم بخورد؟ این رویداد نشان می‌دهد ملاحظات سیاسی حاکم بر تصمیم‌گیری‌ها و حتی قانونگذاری، و نظارت و اجرا همچنان ما را به دقیقه ۹۰ و آن وقت اضافه در عملکرد می‌رساند. اگر نگوئیم این یک ضعف ساختاری است که روتد تشخیص می‌دهد اما در عمل می‌کند، باید بگوئیم سیاست‌زدگی در همه ابعاد زندگی ما ایرانی‌ها جاری‌ان دارد. سیاست‌ها و رویه‌های جناحی گاهی مقابل همه قوانین یا ضرورت‌های مردم هم‌ان کشور می‌ایستند. روند خروج افغان‌ها که این روزها دستمایه انتقاد و ترحم شده، دود علامت وضعی است از اینکه اقدامات شتابزده با عینک امنیت، ممکن است زحماتی را برای کسانی که در هیچ مسئله سیاسی و امنیتی دخیل نبودند، از میان مسئله حتی وقتی که خروج با تکریم آنها ترجیح‌بند این روزها باشد. گلابه برخی مهاجران هنگام خروج، بخشی از عوارض نعلل سیاسی در سال‌های گذشته است، هر چند وزیر کشور گفته، ۲۰ درصد از مهاجران خارج شد، دودا وطن‌بند ایران را ترک کردند.

حال، اگر این نقش به معنای فشار بر ایران برآید پذیرش محدودیت‌های جدید یا کاهش فعالیت‌های غنی‌سازی باشد، می‌تواند با منافع ملی ایران در تضاد قرار گیرد. ایران بارها تأکید کرده که برنامه هسته‌ای‌اش صلح‌آمیز است و هر گونه مذاکره یا به بارفع کامل تحریم‌ها همراه باشد.

هماهنگی اسرائیل و آمریکا

سفر دستپارگان از رشد تانیاو به تلاش متحد
همزبان با این گفتگو نشان دهنده تازات اسرائیل
برای هماهنگی با واشنگتن در قبال ایران است. این
تحرکات می تواند به معنای برنامه ریزی برای افزایش
فشارهای نظامی یا دیپلماتیک بر تهران باشد. اگر
روسیه به عنوان بخشی از این معادله، تحت فشار
اسرائیل یا همکاری های نظامی خود در قبال
را محدود کند، این امر می تواند به انزوای راهبردی
بیشتن ایران منجر شود. این حال، تاریخ روابط
اسرائیل و روسیه نشان می دهد که مسکو در مواقع
حساس، به ویژه در روزهای غرب اسرائیل، ممکن
است منافع خود را بر تعهداتش به تهران
ترجیح دهد. این می تواند ایران را به تصمیم
تنوع بخشی به روابط خود با بازیگران غربی و
چین یا دیگر بازیگران غربی، سوق دهد.

تقویت بازدارندگی داخلی

با توجه به تهدیدات مکرر آمریکا و اسرائیل ایران احتمالاً به تقویت توانمندی‌های دفاعی داخلی خود، به‌ویژه در حوزه پدافند هوایی موشکی، ادامه خواهد داد. این امر می‌تواند جدی و ایستکی

تسلیمات خارجی را کاهش دهد، هر چند دستیار به فناوری‌های پیشرفته همچنان چالش برانگیز خواهد بود. موضوع قاطع مقامات ایرانی، از جمله شهرداری‌های سیداس عراچی، وزیر امور خارجه مبنی بر «اکتشاف قاطع» - به هر گونه تاجرو نشان دهنده استراتژی تهران برای حفظ موضوعی در پیملسانی است. ایران می‌تواند از این موضوع برای فشار بر اروپا و روسیه استفاده کند تا برای فشارهای آمریکا و اسرائیل، حمایت بیشتری از تهران نشان دهند.

نگرانی مشروط اما قابل مدیریت

گفت‌وگوی پوپین و تنبایوه با خریدی خود لزوم تهدیدی مستقیم برای ایران نباشد اما توجه به زمینه تنش‌های جاری و منافع مضامد با توجه به غیر، می‌تواند نگرانی‌هایی را برای تهران ایجاد کند. اسرائیل احتمالا در پی تضمین‌های ایران محدود در همکاری‌های نظامی ایران و روسیه است، به‌ویژه در حوزه تسلیحات پیشرفته‌ای می‌توانند توازن قوا را تغییر دهند. با این حال، ایران با تکیه بر دیپلماتیک فعال، می‌تواند توازن داخلی بهره‌گیری از روابط چندجانبه با کشورهای غربی می‌تواند این چالش‌ها را مدیریت کند. کلدیپوشه ایران در این معادله، حفظ انسجام در سیاست خارجی و جلوگیری از انزوای دیپلماتیک در برابر فشارهای هماهنگ آمریکا و اسرائیل خواهد بود. ایران همچنین باید تحرکات دیپلماتیک و رسانه‌ای را دقت رصد کند و از طریق گفت‌وگوهای مستقیم با مسکو، اطمینان حاصل کند که همکاری‌های خارج‌گرا نمی‌گیرد. در نهایت، موضع قاطع تهران مذاکرات هسته‌ای و پاسخ به تهدیدات، پیام روشن به جامعه جهانی ارسال می‌کند. ایران اما دفاع از منافع خود است، چه در میز مذاکره و در میدان تقلب.

رهبر انقلاب در مراسم بزرگداشت شهدای جنگ تحمیلی اخیر:

یایه‌های نظام و کشور را به دنیا نشان داد



به مناسبت چهلمین روز شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی ضد ملت ایران، دیروز مراسم بزرگداشت این شهدا از طرف رهبر انقلاب اسلامی در حسینیه امام خمینی (ره) و با حضور خانواده‌های شهدا و قشرهای مختلف مردم و همچنین با حضور جمعی از مسئولان برگزار شد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در این مراسم، این جنگ را «موجب بروز باره‌آباد» و قدرت جمهوری اسلامی و به‌رنگ استحضار به نظیر ایران‌پایه آن خوانند و با تأکید بر اینکه اصل دشمنی، به مخالف بدخواهان با ایمان، دانش و اتحاد ملت ایران است، گفتند: ملت ما به توفیق الهی راه تقویت ایمان و گسترش دانش‌های گوناگون را رها نخواهد کرد و به‌کوری دشمن گواهییم ایران را به‌مخالفت ترقی و افتخار برسانیم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تسلیت مجدد به بازماندگان سرداران نظامی، دانشمندان و مردم عزیزی که در جنگ اخیر به شهادت رسیدند، راز و نیاز کرد: ملت ایران علاوه بر افتخارات بزرگی که در این ۱۲ روز کسب کرد و امروز همه دنیا به آن اعتراف می‌کنند، توانست قدرت، استقامت، عزم و اراده و دست پر خود را به دنیا نشان دهد طوری که همه قدرت‌های جمهوری اسلامی، راز و نیاز یک احساس کردند.

ایمان، تباور استحکام بی نظیر پایه‌های جمهوری اسلامی را از دیگر امتیازات جگه اخیر داشتند و افزودند: این حوادث برای ما سابقه نبود. جمهوری اسلامی در طول ۴۶ سال گذشته علاوه بر جنگ تحمیلی هشت ساله، بارها در مقابل حوادثی همچون کودتا، فتنه‌های گوناگون نظامی، سیاسی و امنیتی و وادار کردن افراد سست‌عنصر به اقدام در مقابل ملت قرار گرفته و همه توطئه‌های دشمن را خنثی کرده بود.

رهبر انقلاب، بنای جمهوری اسلامی را بر دو پایه «دین» و «دانش»
مردم و جوانان ایران با تکیه بر این دو پایه دشمن
را در میدان‌های مختلف به عقب‌نشینی وادار کردند و از این پس نیز
همین گونه عمل خواهند کرد.

ایشان علت اصلی مخالفت استبداد جهانی و راس ان امریکای جایتکار با جمهوری اسلامی را دین و دانش و اتحاد ایرانیان زیر سایه قرآن و اسلام دانستند و گفتند: آنچه به عنوان هستای، غنی سازی و حقوق بشر مطرح می کنند نهان است و علت اصلی تاراجی و مخالفت آنها به میدان آمدن سخن نو و توانایی های جمهوری اسلامی در عرصه های گوناگون علمی و دانش های انسانی، فنی و دینی است. حضرت آیت الله خامنه ای با تأکید بر اینکه ملت ایران به توفیق الهی و دین و دانش خود را رها نخواهد کرد، افزودند: مادر راه تقویت دین و گسترش و تعمیق دانش های گوناگون خود قدم های بلندی بر خواهیم داشت و به کوری دشمن خواهیم توانست ایران را به روح ترقی و افتخار برسانیم.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

[illegible]

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان

[illegible]

رئيس اداره ثبت اسناد و املاك شهرستان ملایر - مرتضى مسعودى
 تاريخ انتشار اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴ تاريخ انتشار دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۰۸

رئيس اداره ثبت اسناد و املاك شهرستان ملایر - مرتضى مسعودی
 بیخ انتشار اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴ تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۰۸

حوادث

گزارش میدانی از بازدید زندان اوین بعد از حمله رژیم صهیونیستی

اوین؛سند جنایت جنگی

در جریان حمله اسرائیل چهار نقطه از زندان اوین هدف حمله قرار گرفت و بیش از صد نفر شهید شدند



از یادآوری آن روز، بهشدت متقلب می شوم.»

او با اشاره به ساختمان اداری که به شدت تخریب شده است، می گوید: «طبقه همکف اینجا بخش مددکاری زندان بود. یازده خانم و یک کودک خردسال در اینجا شهید شدند که فرزند یکی از همان مددکاران بود و آن روز با مادرش سر کار آمده بود. بعداز انفجار یکی از همکارانمان دیده بود که یک کودک از ساختمان بیرون آمد و او را در آغوش گرفته بود. اما شدت جراحات کودک و آن همکار ما اینقدر زیاد بود که جسد هر دو را جلوی در ساختمان اداری پیدا کردیم. غروب همان روز زن جوانی عکس آن کودک را دست گرفته بود و مقابل زندان آمده بود.اشک می ریخت و می گفت من خاله بچه هستم.این بچه امروز با خواهرم سر کار آمده بود.می دانیم خواهرم شهید شده فقط می خواهم ببینم شما این بچه را دیده اید؟ ما هم به حدی متاثر بودیم که نمی توانستیم صحنه‌ای را که دیده بودیم بازگو کنیم.»

او ادامه می دهد: «مددکاران ما واقعا دلسوزانه زحمت می کشیدند. روزهای دوشنبه جلساتی بر گزار می کردند تا در آن جلسات زندانیانی را که شرایط آزادی مشروط دارند شناسایی کنند یا هر کمک دیگری که امکان انجامش برای زندانیان وجود داشت لیست می کردند.» بعد با اشاره به طبقه بالای ساختمان می گوید: «آنجا محل استراحت سربازان است که اجساد آنها قابل شناسایی نبود و با تست دی ان ای احراز هویت شدند.»

کمک زندانیان

یکی از بخش هایی که هدف اصابت موشک قرار گرفت بخش بیمارستان زندان بود. جایی که هنوز هم رد خون کسانی که به سختی راه می رفتند روی دیوارهایش دیده می شود. ساعت دیواری دقیقاً روی زمانی که حمله انجام شد خشک شده است.

یکی از کارکنان این بخش می گوید: «یکی از پزشکان این بیمارستان در جریان حمله دستش قطع شد. آن روز زندانیانی که اینجا بودند کمک کردند و دست قطع شده را پیدا کردند. بعدا که شایعه شد زندانیان زیادی قرار کردهاند با خودم گفتم کاش آن روز اینجا بودید و می دیدید که زندانیان چطور دلسوزانه به مسئولان کمک می کردند. شاید یکی دو مورد فرار نافر جام هم وجود داشت اما آنچه غالباً دیده می شد چیزی جز همدلی نبود.»

خاکبرداری زندان انجام شده و عملیات بازسازی از سر گرفته شده است. دیوار زندان تقریباً نو ساخته شده. در جریان حمله صهیونیست‌ها به زندان اوین مادر و دختری برای آزادی پدر خانواده سন্দ آورده بودند که هر دو به شهادت رسیدند و در حال حاضر پدر خانواده هنوز در زندان است. این حمله داعی بر دل کسانی گذاشت که روزهای تلخ و سرد حبس را می گذرانند. امید یک بار دیگر در دل آنها کشته شد و تا دنیا نیاست اوین سند جنایت جنگ خواهد بود.



گوشی‌اش را از جیبش بیرون می آورد و عکسی را نشانمان می دهد: «این وسطی که مشخص است خودم هستم. در این عکس همه دوستانم به جز خودم به شهادت رسیدند.»

چشمانش پر از اشک می شود و انگشتش را روی صورت یکی از دوستانش می گذارد و می گوید: «ما همه در سالن ملاقات کار می کردیم. این دوستم از همه ما مهربان تر بود. یکی از زندانیان را شناخته بود که خط خوبی داشت. هر وقت بقیه بچه‌ها ملاقاتی داشتند به او می گفت به فالنی بگویند یا خط خویشت یک جمله محبت امیز برای عزیزتان که به ملاقات آمده بنویسد. بعد آن را به دست ملاقات کننده می رساند و با همین حرکت ساده باعث دلگرمی خانواده‌های می شد. بعد از شهادتش دیدم که یک پیج معاند در اینستاگرام عکس او را گذاشت و نوشته او شکنجه گر بوده اما شما از خانواده‌های زندانیان بهره‌سید تا متوجه شوید چقدر انسان دوست و مهربان بود.»

دسته گلی برای خداحافظی

یکی دیگر از کارکنان سالن ملاقات می گوید: «بعد از اصابت اولین موشک، حدود ۳۰ نفر از ملاقات‌کنندگان و کارکنان را به زیرزمین منتقل کردم و همین کار باعث نجات جانشان شد. آن روز یکی از ملاقات‌کنندگان، مرد جوانی بود که برای همسرش گل آورده بود. وقتی بعد از چند دقیقه از زیرزمین بالا آمدم، با صحنه‌ای وحشتناک روبه‌رو شدم. جسد سوخته آن زن جوان روی زمین افتاده بود. تعداد کشته‌شدگان آن قدر زیاد بود که نمی‌شد قدم از قدم برداشت. کف سالن ملاقات غرق خون بود. ناگهان چشمم به پیکر می‌جان یکی از سربازان‌امان افتاد. هنوز هم



فاطمه شیخ‌علیزاده

دبیر حوادث

ساعت حدود یازده ظهر بود. آن روز درست ۱۰روز از حمله متجاوزان صهیونیستی به میهن‌مان می‌گذشت و حملات همچنان در گوشه و کنار این مرز و بوم ادامه داشت که این بار زندان اوین مورد اصابت شلیک‌های جنگنده‌های هوایی قرار گرفتند. در ابتدا شایعات زیادی مطرح شد که گفته می‌شد سقف قسمتی از بند زنان ریخته یا گفته می‌شد تعدادی از زندانیان فرار کرده‌اند. اما خیلی زود مشخص شد که ندامتگاه‌های زندان هدف حمله نبوده و بخش اداری، سالن ملاقات، بخش مددکاری و همچنین بیمارستان زندان محل‌هایی بود که مورد اصابت شلیک قرار گرفت. روز گذشته در حالی که بیش از یک ماه از این جنایت می‌گذرد؛ خبر نگاران، مناطق خسارت دیده زندان را بازدید کرده و پای صحبت جمعی از شاهدان نشستند.

همه چیز در چند ثانیه

شاید بازماندگان عزیزان از دست رفته در این حمله تا امروز مراسم چهلمین روز در گذشت این شهدا را هم بر گزار کرده باشند. جنگ برای مردم عادی تمام شده و تأثیرات روحی و روانی آن هر روز کم‌رنگ‌تر می‌شود و رو به فراموشی می‌رود. اما برای بازماندگان شهدای جنگ، این حمله متجاوزانه تا ابد ادامه دارد و حالا چهل روز است که هر شب داغ عزیزانشان روی قلبشان آوار می‌شود.

رئیس سالن ملاقات زندان هنوز مشکی پوش همکاران شهید خود است. او با انگشت بر جک نگهبانی را نشان داده و می‌گوید: «زندان محل زندگی زندانیان است و به جز آن یک نفر سرباز دیگر کسی در اینجا مسلح نیست.»

او با همان لحن حزن انگیز ادامه می‌دهد: «زندان یک مکان نظامی نیست و همکاران ما که به شهادت رسیدند و همچنین افرادی که در سالن ملاقات حضور داشتند همگی افراد عادی بودند که قربانی یک جنایت جنگی شدند.»

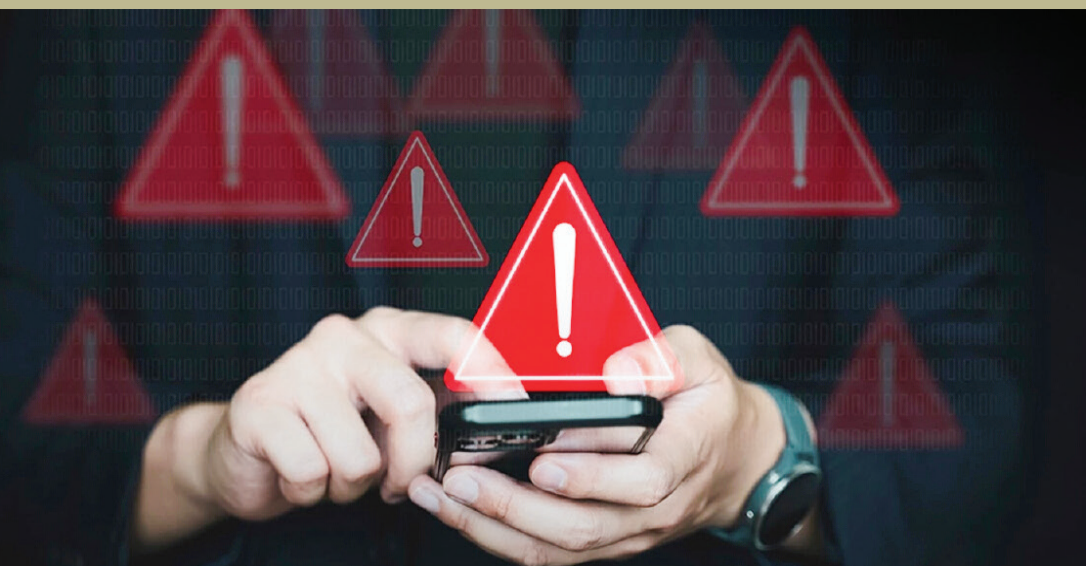
در این میان یکی از کارکنان زندان می‌گوید: «روز حادثه سربازی که بالای بر جک نگهبانی می‌داد، بر اثر شلیک‌ها سرش قطع شد.»

ناگهان سکوت حزن انگیزی فراگیر می‌شود. یکی دیگر از کارکنان در حالی که با نوک پا شیشه خرده‌های کنار جدول را تسکان می‌دهد، می‌گوید: «آن روز ۹ موشک شلیک شد که دو تای آن عمل نکرد. اما همه چیز در کسری از ثانیه رخ داد. شاید کل ماجرا چیزی حدود ۵ یا ۶ثانیه شد. انگار یکدفعه همه چیز مقابل چشممان فرو ریخت.»

او ادامه می‌دهد: «ما در محوطه بودیم و داشتیم از مقابل ساختمان اداری به سمت دانشگاه انتهای مجموعه می‌رفتیم. سسرم که بالا آوردم چیزی جز دود و خاک نمی‌دیدم.»

تلخ‌ترین قاب عکس

مرد میانسالی که او نیز از کارکنان ساختمان اداری است



بررسی رفتار اینترنتی کشور به هنگام جنگ و بحران در گفت و گو با مسعود نقره کار

فیلتر واتساپ و کندی اینترنت

ضعف زیر ساخت‌ها؛ پاشنه آشیل امنیت سایبری ایران



حمیدرضا خالیدی

هفت صبح

در روزهایی که جنگ‌ها دیگر فقط در خاکریزها و با غرش تانک‌ها تعریف نمی‌شوند، میدان نبرد به دنیای نامرئی سایبر کوچ کرده است؛ جایی که هکرها و نظامیان شاه‌به‌شانه پیش می‌روند و سر نوشت ملت‌ها را نه فقط در جبهه‌های نظامی، بلکه در شبکه‌های دیجیتال رقم می‌زنند. روزنامه «هفت‌صبح» در گفت‌وگویی صمیمی و روشنگر با کیوان نقره‌کار، کارشناس باسابقه فناوری اطلاعات، به قلب این جنگ مدرن سرک کشیده است. او با زبانی ساده و صمیمی، از پیچیدگی‌های حملات سایبری می‌گوید؛ حملاتی که از جاسوسی ساده در گوشی‌هایمان شروع می‌شود و تا نفوذ به سیستم‌های حساس نظامی و مالی که کشور پیش می‌رود، نقره کار از پشت پرده محدودیت‌های اینترنتی حرف می‌زند؛ از فیلتر واتساپ و کاهش سرعت اینترنت که این روزها زندگی ما را مختل کرده‌اند. اما آیا این اقدامات واقعی می‌توانند سپری محکم برابر جاسوسی‌های پیشرفته دشمن باشند؟ او ناگاهی کارشناسی بدون تعارف، ضعف‌های زیرساختی ایران، از تجهیزات فرسوده تا کمبود متخصصان کارآموده را واگوی می‌کند و توضیح می‌دهد چرا محدود کردن اینترنت به‌تنهایی نمی‌تواند ما را در این جنگ نامتقارن پیروز کند. دشمنان سال‌هاست نقاط ضعف ما را نشانه رفته‌اند و حملاتی مثل هک سامانه‌های بانکی یا پمپ‌بنزین‌ها، نتیجه برنامهریزی‌های بلندمدت آنهاست. اگر کنج‌کاوید بدانید چگونه می‌توانیم در برابر این تهدیدات پنهان اما قدرتمند ایستادگی کنیم و چرا آموزش، زیرساخت‌های مدرن و نیروی انسانی متخصص کلید این پیروزی‌اند، این گزارش را از دست ندهید.

جاسوسی از موبایل تا سیستم‌های بانکی

این گفت‌وگو در بحبوحه جنگ اخیر ایران و اسرائیل انجام شد که بار دیگر نشان داد جنگ‌های امروزی از نبردهای سنتی به حملات موشکی، هوایی و به‌ویژه سایبری تغییر شکل داده‌اند. حملات سایبری که از جاسوسی ساده از طریق موبایل و کامپیوتر شهروندان شروع می‌شود و تا هک سیستم‌های حساس نظامی، مالی و اطلاعاتی پیش می‌رود، نقشی تعیین‌کننده در سرنوشت جنگ‌ها دارند. نقره‌کار در پاسخ به این پرسش که آیا محدودیت‌هایی مثل فیلتر واتساپ یا کاهش سرعت اینترنت می‌تواند از جاسوسی سایبری یا هدف قرار گرفتن نقاط حساس جلوگیری کند، توضیح داد که این اقدامات به‌تنهایی کافی نیستند. او گفت: «منی توان گفت محدود کردن دسترسی کاربران به اینترنت یا فیلتر ایلکیشن‌هایی مثل واتساپ، ضربه امنیت سایبری را به‌طور کامل بالا می‌برد. امنیت سایبری به عوامل متعددی وابسته است که باید لا‌ای‌لا‌به بررسی شوند.» او به مشکلات زیرساختی اشاره کرده و معتقد است به دلیل تحریم‌ها، ایران نتوانسته تجهیزات پیشرفته و امن سایبری را تأمین کند. بسیاری از دستگاه‌ها یا فرسوده‌اند یا به‌روز نشده‌اند و گاهی از شرکت‌هایی خریداری شده‌اند که از نظر امنیتی چندان قابل اعتماد نیستند. این ضعف زیرساختی، یکی از موانع اصلی در ایجاد سپری قوی در برابر حملات سایبری است.

نرم‌افزارهای غیربومی؛ مهاجرت نخبگان

موضوع بعدی که نقره‌کار به آن پرداخت، نرم‌افزارها بود. او توضیح داد که بسیاری از نرم‌افزارهای مورد استفاده در ایران بومی نیستند و به‌رور سسانی‌های امنیتی لازم برای به‌روزرسانی آنها، نیازمند تیم‌های متخصص خارجی است. او افزود: «بسیاری از نرم‌افزارهای ما وابسته به شرکت‌های خارجی است و این وابستگی، امنیت ما را تهدید می‌کند. ما باید به سمت توسعه و استفاده از نرم‌افزارهای بومی حرکت کنیم.»

نرم‌افزارهای غیربومی؛ مهاجرت نخبگان

موضوع بعدی که نقره‌کار به آن پرداخت، نرم‌افزارها بود. او توضیح داد که بسیاری از نرم‌افزارهای مورد استفاده در ایران بومی نیستند و به‌رور سسانی‌های امنیتی لازم برای به‌روزرسانی آنها، نیازمند تیم‌های متخصص خارجی است. او افزود: «بسیاری از نرم‌افزارهای ما وابسته به شرکت‌های خارجی است و این وابستگی، امنیت ما را تهدید می‌کند. ما باید به سمت توسعه و استفاده از نرم‌افزارهای بومی حرکت کنیم.»

امکان استفاده از واتساپ برای فعالیت‌های جاسوسی بسیار زیاد است چون بالاخره سر نخ آن در دست دشمنان ماست اما در دنیای امروز، این قدر نرم‌افزارهای جاسوسی و جنگ‌های سایبری زیاده‌اند که اصلا ابزارهایی مثل واتساپ برابر آنها قدرت چندان‌ی ندارند که بخواهیم بگویم همه ضربه‌ای که ممکن است از دشمن و از طریق نرم‌افزارهای جاسوسی بخوریم از این سمت است. واقعیت این است بذر ضریات سایبری که الان می‌خوریم، سال‌ها قبل کاشته شده است.



کنیم. این مشکل به دو دلیل است: اول اینکه نیاز به فناوری‌های امنیتی روزبه‌روز در زندگی و کسب‌وکارها بیشتر می‌شود و دوم، مهاجرت نخبگان فناوری که باعث کمبود نیروی انسانی متخصص شده است.»

اینترنت ملی یا بین‌المللی؛ اصلا چرا واتساپ؟

در باره جایگزینی اینترنت ملی با اینترنت جهانی، نقره‌کار معتقد است که این اقدام نمی‌تواند به‌طور کامل از نفوذ سایبری دشمن جلوگیری کند. او گفت: «حتی ممکن است اینترنت ملی، اگر به‌درستی مدیریت نشود، خود به عاملی برای نشست اطلاعات تبدیل شود.» او همچنین به این نکته اشاره کرد که ایلکیشن‌هایی مثل واتساپ، اگر چه می‌توانند برای جاسوسی استفاده شوند، اما در برابر نرم‌افزارهای پیشرفته جاسوسی امروز، چندان نقش کلیدی ندارند. به گفته او، دشمنان از سال‌ها پیش نقاط ضعف سایبری ایران را شناسایی کرده‌اند و حملاتی مثل هک سامانه‌های بانکی یا پمپ‌بنزین‌ها، نتیجه برنامهریزی‌های بلندمدت آنهاست و استفاده از ایلکیشن‌هایی مثل واتساپ چندان تأثیری در جلوگیری از جاسوسی دشمن ندارد. نقره‌کار با تأکید بر اهمیت جنگ‌های سایبری در دنیای امروز، گفت: «قدرت یک کشور در دنیای کنونی به توانایی‌اش در عملیات روانی و جنگ‌های سایبری بستگی دارد.



دشمنان از سال‌ها قبل، نقاط قوت و ضعف سایبری ما و حفره‌های آن را شناسایی کرده و از همان زمان به چشم یک جنگ با آن برخورد کرده‌اند. نتیجه آن هم هک شدن بسیاری از سامانه‌ها مانند بانک‌ها یا هک شدن سامانه‌های پمپ‌بنزین‌ها و غیره است. اینها ربطی به واتساپ ندارد!

شناسه آگهی: ۱۹۷۲۷۰۴



وزارت راه و شهرسازی
سازمان بنادر و فریانوردی
اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان

((آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای))

شماره: ۱۳/فنی/۱۴۰۴

موضوع مناقصه: خرید ، حمل و تحویل قطعات یدکی سیستم رانش شناورهای جستجو و نجات

مهلت و نحوه دریافت اسناد:

متقاضیان شرکت در مناقصه می توانند از تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۸ تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۹ ساعت ۱۴:۰۰ به مراجعه به سایت www.setadiran.ir نسبت به دریافت(خرید)رایگان اسناد اقدام نمایند.

« ضمناً دریافت آگهی از سایتهای www.shahidrajaeeporpmo.ir – iets.mpor.gov.ir نیز امکان پذیر و رایگان می باشد.

– مهلت و محل تسلیم پاکات و بارگذاری اسناد:

متقاضیان باید پیشنهادات خود را تا ساعت ۱۴:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۶ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به آدرس www.setadiran.ir بارگذاری نمایند .

تبصره ۱: متقاضیان مکلفند علاوه بر بارگذاری اسناد خود در سایت مذکور نسبت به تحویل فیزیکی صرفاً پاکت های محتوی ضمانتنامه شرکت در مناقصه حداکثر تا مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۷ ساعت ۱۲:۰۰ به دبیرخانه مرکزی اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان – مجتمع بندری شهیدرجایی – ساختمان مرکزی – طبقه همکف اقدام نمایند . تبصره۲: کلیه مراحل برگزاری از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و گشایش پاکت الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند بدیهی است در صورت عدم انجام فرایند در سامانه مذکور پیشنهاد ارائه شده به صورت فیزیکی مورد قبول واقع نمی گردد.

– تضمین شرکت در مناقصه: مناقصه گران می بایست ضمانتنامه بانکی بدون قید و شرط و قابل تمدید به دفعات با اصل فیش واریز وجه به حساب شماره ۱۴۸۵۳/۱۲۱۴۸۵۳/۰۶۴۵۷۱۲۱۴۸۵۳ بنام تنخواه‌گردان پرداخت بندر شهید رجایی نزد بانک مرکزی به مبلغ ۰۰۰٫۰۰۰٫۸۸۰٫۴۹٫۷۰۴ (چهل و نه میلیارد و هفتصد و چهار میلیون و هشتصد و هشتاد هزار) ریال ارائه نمایند .

– شماره اقتصادی کارفرما: ۷۹۸۶-۱۹۵۷-۴۱۱۳

– شناسه ملی: ۰۶۱۴-۰۰۱۸-۱۴۰۰

– شماره شب: ۱۲۱۴۸۵۳/۱۲۱۴۵۷۱۲۱۴۵۷/۹۲۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰ IR

– آدرس دستگاه مناقصه گذار: بندرعباس – مجتمع بندری شهید رجایی – اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان – واحد مهندسی و عمران – اداره پیمان و رسیدگی و مدیریت پروژه – تلفن: ۰۷۶۲۲۱۲۳۶۲۸

– برآورد اولیه مناقصه: ۰۰۰٫۰۰۰٫۲۴۴٫۱۳۳٫۰ (یک هزار و ششصد و سی میلیارد و دوست و چهل و چهار میلیون) ریال

– مدت اجرای کار: ۹ ماه

– شرایط اختصاصی:

۱- کسب حداقل ۶۰ امتیاز ارزیابی کیفی طبق معیارهای ارزیابی کیفی

۲- داشتن تجربه مرتبط براساس استعلام ارزیابی کیفی

– زمان و محل بازگشایی پیشنهادات:

مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۸ ساعت ۰۹:۰۰ صبح مجتمع بندری شهیدرجایی – سالن مناقصات (سالن جلسات مهندسی و عمران)

تبصره: در دریافت اسناد ، مراحل ثبت نام و بارگذاری کلیه اسناد و مدارک می بایست از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) انجام پذیرد .

– اسناد باید با کیفیت بالا و خوانا (۴۰۰ یا ۳۰۰ dpi) اسکن و بارگذاری گردد . در صورت ناخوانا بودن ، به اسناد مذکور ترتیب اثر داده نخواهد شد .

